

دوشنبه 2 تیر 1393- 25 شعبان 1435- 23 ثوئن 2014

محمدعلی شاه قاجار، از همان آغاز کار، مصمم به برانداختن مشروطیت بود، اما بهانه‌ای در دست نداشت.

*** 2 تیر در گذر تاریخ**

*** به توپ بستن مجلس شورای ملی
به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287ش)
اشاره:**

محمدعلی شاه قاجار، از همان آغاز کار، مصمم به برانداختن مشروطیت بود، اما بهانه‌ای در دست نداشت.

اما در جریان سوء قصدی که به وی شد، بهانه لازم را به دست آورد و آن را به گردن آزادی‌خواهان انداخت، تا اینکه سرانجام پس از ماه‌ها کشمکش میان مجلس و دربار و عدم دسترسی به نتیجه مطلوب، در روز سه‌شنبه دوم تیرماه 1287 ش برابر با 23 جمادی اول 1326 ق، هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که قشون محمدعلی شاه به سوی مجلس روان شدند و راه‌هایی را که به مجلس منتهی می‌شد، بستند.

مجاهدان که در میدان بهارستان بودند در سنگرهای خود به حال آماده‌باش درآمدند. چون خبر به گوش حضرات آیات بهبهانی و طباطبایی، از رهبران روحانی مشروطه، رسید، با بی‌پروایی و دلیری از خانه بیرون آمدند و خود را به مجلس رسانیدند تا شاید از وقوع حادثه جلوگیری نمایند.

ناگهان مجلس شورای ملی که هنوز مدت زیادی از بدو تشکیل آن نمی‌گذشت به دستور محمد علی شاه مستبد و توسط کلنل لیاخوف، افسر روسی به توپ بسته شد. در پی این حمله، نعلش خونین آزادی‌خواهان،

صحن بهارستان را پُر کرد و صدای ناله و فریاد از هرسو به گوش می‌رسید. مجاهدان نیز مردانه، تفنگ در دست گرفته و از خود و مجلس دفاع می‌کردند. جنگ درحدود چهار ساعت به طول انجامید و سرانجام به نفع شاه پایان یافت. در این ماجرا، محمدعلی شاه که مورد حمایت دولت روس بود به اعدام و تبعید و زندانی کردن نمایندگان مجلس پرداخت.

شاه دستور داد که آقا سیدعبدالله بهبهانی را به کرمانشاه تبعید کرده، آیت الله سیدمحمد طباطبایی را در شمیران خانه‌نشین نمایند. عده‌ای از آزادی‌خواهان را، زنجیر به گردن انداخته و کیشان کیشان به باغشاه بردند. از میان این جمع، تنها ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل از مشروطه‌طلبان مشهور و مخالف استبداد قاجاری را به حضور شاه آوردند.

وی پس از این‌که مدتی به آن دو دشنام داد، دستور قتل هر دوی آنها را صادر کرد.

در این واقعه بیش از سیصد تن از مجاهدان، آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان کشته و پانصد تن دیگر زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند.

همچنین انجمن‌ها تعطیل، روزنامه‌ها توقیف و مشروطیت دو ساله ایران به پایان رسید. بدین ترتیب مجلس، منحل شد و دوره استبداد صغیر آغاز گشت.

*** تصویب طرح اجباری شدن**

**کلاه شاپو برای مردان
در مجلس شورای ملی (1306 ش)
اشاره:**

رضاخان پهلوی پس از به دست گرفتن قدرت، دائماً در تلاش برای نابودی مظاهر دینی و

سنتی مردم بود و قصد جایگزینی فرهنگ غرب در ایران را در سر می‌پروراند. وی در این راه، در هر مدت قانونی، را به مردم ابلاغ می‌کرد که طرح اجباری شدن استفاده از کلاه شاپو یکی از آنان بود. این قانون ابتدا در مورد وزراء، وکلا و رؤسای ادارات و مستخدمان دولت اجرا گردید که باید لباس متحدالشکل بپوشند و کلاه شاپو یا پهلوی بر سر گذارند. سپس این دستور برای مدارس اجباری گردید و دانش‌آموزان موظف به پوشیدن لباس یک شکل شدند. در این میان، بازاریان از تغییر لباس ناراضی بوده و با تمام فشار و توصیه‌های کلانتری‌ها، از آن روی گردان بودند. از آن طرف، چون قانون برای پوشیدن لباس کوتاه و کت و شلوار وجود نداشت و بسیاری از طبقات مردم، مایل نبودند از لباس اجدادی خود دست بکشند و لباس جدید را در بر نمایند، بنابراین مشکلاتی به وجود آمد. از این رو، برای اینکه این عمل صورت قانونی پیدا کند با اشاره دربار به مجلس، نمایندگان با تصویب طرحی، در دوم تیرماه 1306 استفاده از کلاه شاپو را اجباری اعلام کردند. با تصویب این طرح، مأموران دولت بر فشار خود بر مردم افزودند و آن را در سطح کشور رایج ساختند. در مقابل، اشخاص بسیاری بودند که در مخالفت با این طرح، دیگر به سر کسب و کار خود نرفتند و خانه‌نشین شدند.

* در گذشت شعیشع ،
پیر قرآن کریم (1390ش)
اشاره:

ابوالعینین شعیشع « رئیس انجمن قراء مصر متولد شهر «بیلا» در استان «کفرشیخ» مصر در سال 1922 بود و در دوران کودکی حافظ کل قرآن شد و در سال 1936 در شهر «المنصوره» به شهرت رسید. وی در سال 1939 در رادیو قاهره به تلاوت قرآن مشغول شد و در نیمه دهه 40 میلادی روش خاص خود را در تلاوت قرآن اتخاذ کرد؛ وی اولین قاری است که در مسجد الأقصى به قرئت قرآن پرداخت. «ابوالعینین شعیشع» در اکثر کشورهای دنیا از جمله عراق، سوریه و ایران تلاوت کرد و در آغاز دهه 60 میلادی به بیماری‌ای مبتلا شد که مدتی نتوانست قرائت کند. وی در دهه هفتاد تلاش خود را برای ایجاد انجمن قراء مصر دنبال که در این کار بزرگان چون «شیخ محمود علی البناء» و «شیخ عبدالباسط عبدالصمد» او را همراهی کردند و در سال 1988 وی به عنوان دبیر این انجمن انتخاب شد. «ابوالعینین شعیشع» عضویت شورای عالی امور اسلامی مصر، ریاست مؤسسه بین‌المللی حفظ قرآن کریم و عضویت کمیته عالی قرآن کریم وزارت اوقاف مصر را بر عهده داشت و در طول حیات خود نشان‌های عالی کشورهای لبنان، سوریه، فلسطین، ترکیه، سومالی، پاکستان، امارات و برخی کشورهای دیگر اسلامی را دریافت کرد. وی که از دوستان اهل بیت (ع) بود، یکی از علاقه‌مندان جدی انقلاب اسلامی و به‌ویژه مقام معظم رهبری به حساب می‌آمد و رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف شعیشع وی را «پیر قرآن کریم» و «کسی که عمرش را با قرآن گذرانده است» نامیده‌اند.

* تولد پرویز پرستویی ، بازیگر سینما و تلویزیون (1334ش)
اشاره:

تاریخ تولد: 1334 (همدان) مدرک تحصیلی: دیپلم طبیعی دارای مدرک درجه سه هنری (معادل لیسانس) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. وی فعالیت هنری را از سال 1348 با اجرای نمایش در مراکز رفاه، کاخ جوانان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. در سال 1353 برای بازی در نمایش «دکه» و یک سال بعد برای بازی در نمایش «تسلیم شدگان» جایزه کاخ جوانان را گرفت. برای نخستین فیلمش «دیار عاشقان» دیپلم افتخار بازیگر نقش دوم را در دومین جشنواره فجر گرفت. او همچنین برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد در چهاردهمین جشنواره فیلم فجر برای فیلم «لیلی با من است» و برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد در شانزدهمین جشنواره فیلم فجر برای فیلم «آژانس شیشه‌ای» شد. بازی زیبای او در فیلم «مومیایی 3» تحسین همگان را در هجدهمین جشنواره فیلم فجر برانگیخت.

سال 1380 سال خوبی برای او نبود. فیلم «آب و آتش» با بازی نه چندان دلچسب و انتخاب نامناسب او و فیلم تکه پاره شده «موج مرده» با تکرار نقش حاج کاظم «آژانس شیشه ای» چهره موفق از پرویز پرستویی به جا نگذاشت. پرویز پرستویی در سال 1381 فیلم نه چندان موفق «عزیزم من کوک نیستم» را با بازی خوبش بر پرده سینماها داشت که در همان سال یکی از دو جایزه بهترین بازیگر مرد را از «جشن ماهنامه دنیای تصویر» دریافت کرد. پرویز پرستویی در سال 1382 بار دیگر چشمها را به سوی خود خیره کرد. بازی معرکه و ماندگار او در نقش «رضا مارمولک» در فیلم «مارمولک» (کمال تبریزی) سیمرغ بلورین ویژه هیئت داوران جشنواره بیست و دوم فیلم فجر (بهمن 1382) و تندیس بهترین بازیگر نقش اول مرد هشتمین جشن خانه سینما (شهریور 1383) را برای او به ارمغان آورد.

* درگذشت «احمد ابراهیمی» پیشکسوت آواز ایرانی (1392ش)
اشاره:

احمد ابراهیمی متولد سال 1305 در اورامانات کردستان فارغ التحصیل دکترای ادبیات و از اساتید برجسته آواز ایرانی بود. وی در سال 1327 با استادان بزرگ موسیقی ایران نظیر استادان ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین تهرانی، غلامحسین بنان، ادیب خوانساری آشنا شده و از محضر همگی این بزرگان بهره‌مند شد. او پس از پنج سال که تحت تعلیم آنان قرار می‌گیرد اولین برنامه رادیویی خود را با محمود ذوالفنون در رادیو تهران اجرا کرد که مورد تشویق و استقبال مردم واقع شد. وی پس از یک سال اجرای برنامه های مختلف موسیقی در رادیو، در سال 1333 به ارکستر مرتضی خان محجوبی استاد پیانو منتقل شد و همکاری اش تا سال 1335 با این ارکستر ادامه داشت. این هنرمند از سال 1342 تا اواخر سال 1354 به سمت رئیس دفتر اداره کل فعالیت های هنری و از سال 1354 تا اواخر سال 1358 به سمت مدیر امور اداری سازمان ملی فولکلور ایران منتصب و مشغول کار شد. این هنرمند در فروردین ماه 1359 با تقاضای خودش بازنشسته شد. ابراهیمی از معدود کسانی بود که در دوران جوانی خود سال ها در کنار غلامحسین بنان به فراگیری آواز ایرانی پرداخت و از اساتید بنام آواز ایرانی محسوب می‌شد که خوانندگان بسیاری نزد او شاگردی کردند. احمد ابراهیمی دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود و خانه موسیقی نیز در سال های گذشته در مراسمی از زحمات این هنرمند تجلیل کرد.

همچنین هیئت مدیره خانه موسیقی در طول بیماری به طور مستمر از وضعیت این هنرمند با خبر بودند و بار ها به عیادتش رفتند. ایشان در پی یک دوره بیماری در سن 87 سالگی، دوشنبه شب در بیمارستان فرمانیه تهران درگذشت.

* بامداد امروز مشیرالسلطنه،
پاشاخان امیربهدادر را به سمت وزیر جنگ و میرزا محمدعلی خان قوام الدوله را
به سمت وزیر مالیه معرفی نمود. (1287ش)

* قزاقان خانه ظل السلطان
عموی شاه را که از مخالفین بود
به آتش کشیدند (1287ش)
اشاره:

قزاقان خانه ظل السلطان عموی شاه را که از مخالفین بود به آتش کشیدند و اموال و اثاثیه او را غارت کردند. در این یورش خانه بانو عظمی خواهر ظل السلطان دستخوش غارت گردید.

* لیاخوف فرمانده قزاقان برای جلوگیری از تحصن مردم در
سفارت انگلیس آنجا را در محاصره قزاقان قرار داد (1287ش)
اشاره:

لیاخوف فرمانده قزاقان برای جلوگیری از تحصن مردم در سفارت انگلیس آنجا را در محاصره قزاقان قرار داد و شایع کرد هر کس به سفارت انگلستان پناهنده شود مجلس سفارت را به توپ خواهد بست.

* از بامداد امروز دستجات قزاق از سواره نظام و پیاده نظام به فرماندهی صاحب منصبان روسی اطراف مدرسه سپهسالار و مجلس را محاصره کردند. (1287ش) اشاره:

در مقابل قزاقان عده زیادی از مشروطه خواهان که مسلح به انواع سلاح های گرم و سرد بودند در اطراف مجلس صف آرائی نمودند. * 25 شعبان در گذر تاریخ

* قتل «ابومسلم خراسانی» رهبر قیام سیاه جامگان به فرمان «منصور دوانقی» (137 ق) اشاره:

عباسیان که از نوادگان عباس عموی پیامبر(ص) بودند، برای از هم پاشیدن حکومت بنی امیه و دستیابی به حکومت مسلمین، به بهانه‌ی طرفداری از اهل بیت(ع)، با پشتیبانی مردم قیام کردند. مسئولیت دعوت از مردم خراسان به «ابن یسار» مُلقب به «ابومسلم» سپرده شد. ابومسلم که سپاه خویش را سیاه پوش نموده و نام سیاه جامگان را بر آن نهاده بود، ابتدا در خراسان و سپس در عراق به پیروزی رسید و با تلاش و همت او بود که خلافت عباسی روی کار آمد. با این حال، پس از مدتی «منصور» دومین خلیفه‌ی عباسی که از موقعیت «ابومسلم» در هراس افتاده بود، با ترفندی او را به سوی مداین کشانده و در 25 شعبان سال 137 ق او را به قتل رساند. پس از قتل ابومسلم، گروهی از یارانش به خونخواهی او برخاستند و کشمکش‌های ناشی از این خونخواهی تا مدت‌ها ادامه داشت.

* پایه گذاری «قیام سربداران» در سبزوار (737 ق) اشاره:

سربداران گروهی بودند که از ظلم و تعدی مغولان که در آن زمان ایران را تحت سلطه‌ی خود داشتند به ستوه آمده بودند. آنان تحت رهبری روحانیون مبارزی چون شیخ خلیفه، شیخ حسن جوری، با مغولان و عوامل دست نشانده‌ی آن‌ها مبارزه کردند. شعار قیام کنندگان این بود که یا ظالم و ستمکار را نابود می‌کنیم و یا بالای دار می‌رویم ولی ننگ را نمی‌پذیریم که به همین دلیل آن‌ها را سربداران نامیدند. سربداران حدود نیم قرن بر مناطقی از شمال شرق ایران حکومت کردند و سرانجام، تیمور گورکانی در سال 788 ق، حکومت آنان را منقرض کرد.

* 23 ژانویه در گذر تاریخ * وقوع اولین جنگ میان نیروهای انگلیسی و هندی در بنگال (1757م)

* واگذاری بندر مهم اسکندرون سوریه به ترکیه توسط فرانسوی ها (1939م)

* تأسیس اولین پارلمان جهان در ایسلند (920م)

* آغاز قیام تاریخی «ژان کالون» مصلح معروف مذهبی در ژنو (1536م)

* تولد «پیترو متاستازیو» ادیب و نویسنده معروف ایتالیایی (1698م)

* روز ملی «لوکزامبورگ»